

سینمای ایران تا الان نتوانسته است آن‌طور‌که باید و شاید به شخصیت امام خمینی^(ره) بپردازد

سکوت رادیویی سینمای ایران دربارهٔ امام



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی خردسال بودم چهره نورانی امام را در میان ابرهای پنبه‌ای شکل آسمان تهران تصور می‌کردم و با او حرف می‌زدم. آن روزها تلویزیون به‌مراتب بیش از امروز در مورد بنیان‌گذار انقلاب اسلامی برنامه تولید می‌کرد و بسیار طبیعی بود که بچه‌ها با دیدن امام (ره) در قاب تلویزیون به او دل ببندند. بگذارید راحت بگویم که روح روح‌الله جای مهمی از حافظه تصویری نسل دهه شصت و هفتاد را به خود اختصاص داده بود و آرامش ذاتی اش درپس آن ابروان پُرپُشت دقیقاً همان خصیصه‌ای بود که او را به شکلی تاریخی از دیگران متمایز می‌کرد. بسیاری در مواجهه با امام خمینی او را مرد ثنوری و عمل می‌دانند که زبان توده مردم را به‌خوبی می‌شناخت و آن‌را در کلمه‌به‌کلمه از حرف‌ها و در سیره عملی اش جاری می‌ساخت. اما این گفته‌ها، تحسین‌ها، روایت‌ها و... در هنر نمایش و

فرزند صبح

اکنون که در حال نگارش این گزارش هستم، کار فیلمبرداری فیلم سینمایی «فرزند صبح» ساخته «بهروز افخمی» سال‌هاست که به اتمام رسیده ولی هنوز مردم نتوانسته‌اند این فیلم را بر پرده عریض تماشا کنند. «محمدرضا شرف‌الدین» تهیه‌کننده فیلم، به‌تازگی در گفت‌وگو با ایرنا عنوان کرده که «فرزند صبح» آماده نمایش است و فقط موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره) باید اجازه آن‌را صادر کند. از طرف دیگر، بهروز افخمی هم در مصاحبه‌ای که چند روز قبل با او به بهانه اکران فیلم «صبح اعدام» انجام داد در پاسخ به سؤالی مبنی بر مشخص شدن زمان احتمالی اکران گفت که اختلافات جزئی‌ای بر سر مسائلی مالی وجود دارد که تهیه‌کننده فیلم و بنیاد سینمایی فارابی در صورت مرتفع شدن آن، فرزند صبح را به اکران درمی‌آورند. در صوت اکران، «فرزند صبح» به اولین اثر پرتره‌ای تبدیل خواهد شد که به زندگی شخصی و حرکت سیاسی امام روح‌الله در حوالی وقایع مربوط به خرداد ۱۳۴۲ می‌پردازد. این اتفاق از دو جنبه شگفت‌انگیز به‌نظر می‌رسد؛ افخمی فیلمبرداری این اثر را در سال ۱۳۸۳ کلید زد و آن را در سال ۱۳۸۶ به اتمام رساند. فیلم در جشنواره پرهیاهوی بیست‌وهم فجر به نمایش درآمد. مورد نقد جدی منتقدان و اصحاب رسانه قرار گرفت. فیلم از

صنعت سینما در تمام این سال‌ها و با وجود استقرار «وضعیت» نظام جمهوری اسلامی در جغرافیای تاریخی ایران نتایج چندان درخور و مثنی را رقم زده است؛ تحقق انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ حرکتی ضد جریان در کانتکست جهانی به‌حساب می‌آید، زیرا در ایامی که هر حرکت اعتراضی به‌چپ‌ها منتسب می‌شد طوفانی در ایران شکل گرفت که نه چپ بود و نه باجی به امپریالیسم آمریکا و همپالگی هایش می‌داد، همین اتفاق هم‌باعث‌شد که لزوم ایجاد یک سینمای مستقل با استفاده از تکنسین‌ها و هنرمندان این هنر- صنعت به‌عنوان مطالبه‌ای جدی مطرح شود؛ سینمایی که بتواند بدون اختراع مجدد چرخ، تا حد زیادی روی پای خود بایستد و طرح مفاهیم ملی و میهنی را در پلاستیک سینمای ژانر ممکن کند. متأسفانه نه‌تنها این ایده محقق نشد، بلکه سینمای ایران هم نخواست و هم نتوانست که برتره رهبر انقلابی را به‌درستی بازنمایی کند.
باین حال، در این گزارش تصمیم دارم چند نمونه از آثار سینمایی و تلویزیونی در مورد زندگی شخصی و سیاسی امام (ره) را معرفی کنم.

مشکل جدی تدوین رنج می‌برد و طولانی بودن آن مخاطبان را در سینماهای مردمی خسته کرد. نشست خبری فیلم در برج میلاد هم پرتیتر و جنجالی بود و کارگردان فیلم ناچار شد برای خروج از کاخ جشنواره دست به دامان نیروهای حراست شود. افخمی در همان روز‌ها گفت‌که «فرزند صبح» فیلم او نیست! او در دو نامه‌ای که به‌صورت جداگانه منتشر کرد گفت‌که از صاحبان «فرزند صبح» به‌خاطر درج نامش به‌عنوان کارگردان شکایت می‌کند، اما پس از فروکش کردن موج این درگیری‌ها و با گذشت زمان، بهروز افخمی در آبان ۱۳۹۷ بیان کرد که قصد دارد «فرزند صبح» را با هزینه شخصی خودش بازسازی کند و کارهای فنی این فیلم را با هدایت خود به سامان و نتیجه مطلوب برساند، مضاف بر اینکه قرار نیست هیچ صحنه جدیدی به آن اضافه‌شود. این اتفاق حتی اگر رقم خورده باشد منجر به اکران عمومی «فرزند صبح» نشد تا افخمی سال ۱۴۰۳ در گفت‌وگو با ایسنا ایده استفاده از هوش مصنوعی را برای روتوش دوباره این فیلم مطرح کند. او همچنین بیان کرد که «فرزند صبح» بهترین اثری است که او ساختن را برعهده گرفته است! از نکات جالب این اثر می‌توان به بازی عبدالرضا اکبری در نقش میانسال‌ی امام (ره) و هدیه تهرانی در نقش دایه ایشان اشاره کرد.

فرمانده‌ای که لشکر نداشت

نقیسه‌سادات موسوی شاعر
در تاریخ ما، لشکرکشی سنت رایجی بوده؛ از کوروش و اسکندر گرفته تا نادرشاه و رضاخان، هر که خواست حکومتی تأسیس کند، شمشیر به‌دست گرفت، اسب‌تازاند و بر طبل جنگ کوبید. گویی بدون غرش توپ و تفنگ، هیچ تاجی بر سر نمی‌نشیند. اما یک‌بار، فقط یک‌بار، قاعده عوض شد. کسی آمد که نه ارتش داشت، نه کودتا کرد، نه خون ریخت. انقلاب کرد، اما بدون لشکر. و همین «نکردن‌ها»ست که قه‌هش را عجیب می‌کند.
ما در تاریخ، حاکمانی داشته‌ایم که از شرق و غرب ایران عبور کرده‌اند تا پرچم خود را در قلب کشور بگویند. اسکندر و تیمور و مغول و سلجوق، آمدند و رفتند. بعضی‌شان کشور را ساختند، بعضی ویران کردند، اما همه‌شان آمدن‌شان با هیاهو بود، با حمله، با دود و خون. اما این یکی، وقتی آمد، صدای انفجار نبود؛ صدای اشک مردم بود.
شاید اگر فقط یک فیلسوف بود، مثل خیلی از اندیشمندان ایرانی، نامش در کتاب‌های فلسفه می‌ماند و تمام. اگر فقط یک شاعر بود، شاید جایی

چارسو

در نظارت آثار گرفتار نظریه پردازی‌های شخصی شدیم

محمود گبرلو، منتقد با اشاره به خواشی اخیر که بین ساترا و سریال «سووشون» به‌وجود آمد با نگاهی آسیب‌شناسانه نسبت به روند تولید سریال و صنعت سینما در کشور گفت: «سیستم نظارتی حاکمیت به دلیل گسترده بودن تولید، قادر به کنترل و نظارت نیست و گرفتار نظریه‌پردازی‌های شخصی و باندی و جناحی می‌شود. اگر قوانینی باشد که هرکس کارت تهیه‌کنندگی را می‌گیرد ضوابط مورد نظر را امضا کند و به آن ملزم باشد دیگر نیاز نیست ناظر دیگری بر سر پروژه‌ها بگذاریم. این اتفاقی است که در دیگر نقاط جهان هم رخ می‌دهد. در دنیا شبکه‌های اینترنتی آنقدر گسترده است که قابل کنترل فردی نیست.» او افزود: «اگر آیین‌نامه‌ای نوشته شود که همه صنوف را موظف کند تا آن را امضا کنند، اینگونه هرکس می‌تواند فیلمی را تولید کند و خودش هم پای آن بایستد. از طرف دیگر اگر فیلم مخالف با آیین‌نامه باشد شورای عالی مورد نظر جلوی آن را می‌گیرد اما ابتدا باید آیین‌نامه‌ای باشد که مورد تفاهم قرار بگیرد و به ضوابط مشخص تبدیل شود. باید تعریف دقیق و مشخصی برای ضوابط تولیدات هنری ارائه شود و بر این اساس لازم است یک ضابطه مشخص وجود داشته باشد. ابزارهای نظارتی گذشته نیز کارآمدی خود را از دست داده‌اند و ضروری است که صاحب‌نظران و کارشناسان مرتبط در این زمینه گرد هم آیند و قوانین را مورد بازنگری قرار دهند تا آیین‌نامه‌های جدیدی متناسب با شرایط زمان و مکان تدوین شود.»



صنوبر

«مجتبی راعی» صنوبر را در قالب مینی‌سریال و فیلم تلویزیونی برای پخش از صداوسیما در سال ۱۳۸۱ آماده کرد. مجری طرح و سفارش دهنده این اثر هم همچون «فرزند صبح»، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) و عروج فیلم بود. آن سال‌ها این طور به‌نظر می‌رسید که اهتمام جدی‌ای در خصوص به تصویر در آوردن رهبر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی وجود دارد ولی رفته‌رفته این روند رنگ باخت و به دست فراموشی سپرده شد. از این گذشته، صنوبر به برهه مهمی از زندگی امام روح‌الله، یعنی زمانی که کاراکتر او در کوران حوادث مربوط به جنگ جهانی اول شکل گرفت می‌پردازد و تیم بازیگری پر قدرت و شش‌اخصی هم ماجرای مربوط به آن دوران را به‌دستور کارگردان اجرا می‌کرد. «صنوبر» زندگی و زیست امام در فاصله میان ۱۳ تا ۱۶ سالگی را روایت می‌کرد و توانست برای طیف وسیعی از بینندگان تلویزیونی جذابیت به بار بیاورد. اثر از زاویه و منظر ایزکتیو روایت می‌شد و تنش و تکیاوی بالای آن در بعد داستان‌پردازی و اجرا باعث شد تا کار به‌خوبی دیده‌شود. مجتبی راعی و تیمش در ابتدا می‌خواستند اثر را در شهر خمین جلوی دوربین ببرند ولی به علت

آفتاب وزمین

سریال «آفتاب و زمین» وقتی از شبکه دوسیم‌ا پخش شد که علی لاریجانی در حال گذراندن دومین دوره ریاست خود بر رسانه ملی بود. در واقع این مجموعه پس از گذشت ۲۲ سال از انقلاب اسلامی اولین کار نمایشی تلویزیون در باب روایت زندگی خانواده امام (ره) به حساب می‌آمد و پر واضح بود که کم‌وکاستی‌های زیادی در رابطه با آن وجود دارد که ممکن است مخاطب توان‌اند با ارتباط بگیرد. «آفتاب و زمین» –که نسخه سینمایی آن هم در ادامه به نمایش درآمد– به زندگی پدر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی پرداخت و داستان مبارزات ایشان در زمانه خود را برجسته کرد. سیر وقایع سریال با پدر امام شروع می‌شود و تاشش ماهگی آقا روح‌الله ادامه پیدا می‌کند. «جواد شمقدری» در مقام کارگردان این اثر عنوان کرد که دلیل همیش برای ساخت «آفتاب و زمین» سالگرد تولد صدامالگی امام بوده است. شمقدری برای به تصویر در آوردن زندگی پدر امام منابع قابل توجه

بغل داشتم، اشک‌هایم با صدای تکبیر در هم می‌آمیخت. انگار بعد از قرن‌ها، یک مرد آمد که حرف دل ما را زد». انقلاب او، صدای هیچ زنی را خفه نکرد، بلکه به آن فضا داد تا در میدان بماند. زن در خیابان، زن در مسجد، زن در خانواده، زن در دانشگاه؛ همه جا حضوری معنادار پیدا کرد. نه به سبک غربی، نه با تیتُرهای شعاری، بلکه با یک مفهوم ساده: زن هم انسان است، هم شریک، هم ستون خانواده، هم صدای جامعه. اما شاید جالب‌ترین بخش این قصه برای ما، که ریشه مذهبی داریم و از مظلومیت نمی‌توانیم دل‌کنیم، این باشد: او هیچ‌وقت مظلوم‌نمایی نکرد، اما همیشه در کنار مظلوم ایستاد. مثل همان روزی که خبرنگار آمریکایی از او پرسید: «از هیچ‌کس نمی‌ترسیدی؟» و پاسخ شنید: «جز خدا، نه.» ما ملتی هستیم که خاطراتمان بیشتر از تاریخمان زنده‌اند. مادر بزرگ‌مان هنوز از قطعی رضاخانی می‌گوید. پدر بزرگ‌مان هنوز نادر را دوست دارد، چون شمشیرش قوی بود. اما نسل ما؟ نسلی که از تکرار شعار بیزار است؟ شاید وقت آن رسیده از کسی بگویم که بدون شمشیر، حکومتی ساخت که حتی دشمنانش هم نتوانستند هوش و عدالتش را نادیده بگیرند. فرمانده‌ای که لشکر نداشت، ولی تاریخ را فتح کرد.

«لیلو و استیج» دومین فیلم پرفروش سال شد

نسخه لایو اکشن «لیلو و استیج» از کمپانی دیزنی به فروش جهانی ۶۱۰ میلیون دلار دست یافته و حالا در جایگاه دومین فیلم پرفروش هالیوود در سال ۲۰۲۵ قرار گرفته است. این بازسازی لایو اکشن، پس از دو هفته اکران روی پرده، توانسته ۳۳۰٫۷ میلیون دلار در بازارهای بین‌المللی و ۲۸۰٫۱ میلیون دلار در گیشه داخلی (آمریکا) به‌دست آورد. موفق‌ترین بازارهای خارجی این فیلم، مکزیک با ۴۵٫۹ میلیون دلار، بریتانیا با ۳۴٫۵ میلیون، فرانسه با ۲۳٫۱ میلیون و برزیل با ۲۱٫۶ میلیون دلار بوده‌اند. با توجه به روند صعودی فروش، این احتمال وجود دارد که «لیلو و استیج» در نهایت از «فیلم ماینکرفت» (۹۴٫۷ میلیون دلار) عبور کرده و به پرفروش‌ترین فیلم سال تبدیل شود. «لیلو و استیج» داستان پیوندی که بین یک دختر تنها به نام لیلو و یک موجود یگانه به نام استیج شکل گرفته است را روایت می‌کند. همچنین فیلم «ماموریت غیر ممکن: روزشمار نهایی» محصول پارامونت و تریلر خون‌آشامی «گناهکاران» از کمپانی وارنر هر دو از مرز فروش ۳۵۰ میلیون دلار عبور کردند.

لیلو و استیج یک فیلم کم‌دی علمی تخیلی آمریکایی محصول ۲۰۲۵ به کارگردانی دین فلیشر کمپ‌و نویسندگی کریس ککانیکالانی برایت است. این فیلم که توسط والت دیزنی پیکچرز و ویدیلک تولید شده است، یک بازسازی لایو اکشن از انیمیشن لیلو و استیج محصول ۲۰۰۲ از کمپانی دیزنی است.

